

کوشش در کشاکش سنت و تجدد
جمعه، ۱۲ خرداد، ۱۳۹۶، ۵۹:۵ ب.ظ
درآمدی بر پروژه فکری استاد حمید پارسانیا
پروژه فکری و ترانسفر تفکر

نوشتن از پروژه‌ی فکری یک متفکر مؤلف، در روزگاری که ترجمه بر تفکر تفوق دارد و جماعتی از طریق ترانسفر متفکر ارتزاق می‌کنند، امری به نسبت دشوار است. این دشواری اغلب به این دلیل است که در اثر پروپاگاندای ژورنالیست‌های حوزه اندیشه، از «پروژه فکری» چیزی واری «واردات اندیشه» مراد نمی‌شود و اطلاق آن بر کوشش‌های مولد نادر است.

حمید پارسانیا از معدود کسانی است که طی سه دهه اخیر کوشیده است فارغ از مشهورات آکادمیک و شئونات حوزوی، «مسئله» داشته باشد؛ به این مسائل بپاندد، پاسخ‌هایی «تألیف» و در نهایت منتشر کند. بنابراین اگر پروژه فکری را دست‌کم شامل مؤلفه‌های فوق بدانیم، حجت‌الاسلام والمسلمین حمید پارسانیا صاحب یک پروژه فکری است که از قضا بر مهم‌ترین و موثرترین مسئله‌های فکری روزگار ما متمرکز بوده و به تألیف ایده‌های ناب منتهی شده است. با این حال چگونه است که این پروژه‌ی نوابعد و مهم، در کلیت خود مورد تأمل قرار نمی‌گیرد و گزارشی از آن به دست داده نمی‌شود؟

حمید پارسانیا مدتهاست ترجیح می‌دهد پروژه‌ی فکری خود را در مدّرسی در کنج فیضیه، در کلاس‌هایش در دانشکده علوم اجتماعی، در درس‌گفتارهایی در متن و در حاشیه‌ی نظام آکادمیک، در نشست‌هایی متعدد و در کتاب‌ها و مقالاتی چند دنبال کند؛ بی آن که کلیت این پروژه موضوع یک گزارش اندیشه باشد. در حالی که از باب نمونه نوشته‌های منتشر شده در بازتاب پرخاش‌های یک مترجم-متفکر، تنها در یک‌سال اخیر، بیش از آثار خود وی است! آیا بسط ید پروهای حزبی در میدان ژورنالیسم علوم انسانی باعث نشده به جای روایت اندیشه‌ها، سلبریتی‌ها متفلسف‌نما و شومن‌های در پوستین علم افتاده برجسته شوند؟

این نوشته خود را قادر به خرق عادت تفکرخواندن ترجمه نمی‌داند و نمی‌تواند اصطلاح «پروژه فکری» را از جمع توأمان ترجمه و پرخاش به معنای واقعی خود بازگرداند؛ همچنان که نمی‌تواند اولین چراغ را برای بررسی پروژه فکری حجت‌الاسلام والمسلمین حمید پارسانیا روشن کند. با این حال امیدوارست بتواند در میانه‌ی هیاهویی که نیروی‌های احزاب سیاسی در میدان اندیشه به راه انداخته‌اند، مروری اگر نه بر پروژه فکری، بلکه دست‌کم بر آثار و فعالیت‌های استاد حمید پارسانیا بیاندازد.

* یادداشت منتشر شده در مجله خردنامه، شماره 174

پروژه‌ای در کشاکش سنت و تجدد

نمی‌توان انکار کرد که برنامه فکری حمید پارسانیا سخت متأثر از مواجهه‌ی عالم اسلام با امر مدرن است. اگر مواجهه ما با مدرنیته نبود یا این مواجهه برای پارسانیا مسئله نبود؛ او در یکی از مدرس‌های فیضیه اسفار نمی‌گفت؛ اگر چه دیگر کرسی‌های اسفار به راه بود؛ او به تهران و دانشکده‌ی علوم اجتماعی نمی‌رفت؛ اگر چه به احتمال زیاد این دانشکده بر قرار بود.

بررسی این خط فکری اما محتاج دانستن موقعیت کلی است که این متفکر نسبت به مدرنیته دارد: در میانه‌ی مواجهه‌های گوناگون با امر مدرن، حمید پارسانیا در کجا ایستاده است؟ اگر آن‌چنان که پارسانیا استدلال می‌کند در یک نگاه کلی مواجهه با تجدد را موجد چهار جریان عمده‌ی فکری در عالم اسلامی بدانیم، این چهار جریان عبارتند از: جریان در سنت‌مانده، جریان تجدد شیفته و تلفیق‌گرایان. دسته‌ی اخیر به نوبه‌ی خود شامل دو دسته می‌شود: کسانی که در کوشش برای این تلفیق و جمع از موضع تجدد سنت را نقد می‌کنند و دسته‌ی دیگر کسانی که از موضع سنت تجدد را به نقد می‌کشند. برنامه‌ی فکری پارسانیا در بستر اخیر شکل می‌گیرد: در خوانش همدلانه از سنت و پرسش منتقدانه از تجدد.

خوانش همدلانه از سنت

حمید پارسانیا عمیقاً به ذخیره‌ی معرفتی عالم اسلامی تعلق خاطر دارد. در فلسفه، حکمت صدرایی را مبنای کار خود قرار داده است. هر روز صبح در حلقه‌ی درسی خود در فیضیه متن اسفار اربعه را با دقت هر چه تمام می‌کاود؛ میرها و تقدیرها با ارجاع به حاشیه‌ها و تحلیل‌ها به دقت توضیح می‌دهد. کار مهم دیگر او تدوین تقریرات درس اسفار آیت‌الله جوادی آملی است که تاکنون هفده جلد آن با عنوان رحیق مختوم (ج 17، 1395) منتشر شده است. با این حال رجوع او به حکمت صدرایی در این تدریس و تقریرها متوقف نمی‌شود. نگاه درجه دو و تاریخی به کلیت میراث حکمی اسلامی نظیر آن‌چه در آغاز کتاب مبانی و تطورات برهان صدیقین (1391) انجام شده بخش دیگری از مطالعات او را تشکیل می‌دهد. بخش مهم‌تر کار او با میراث حکمی اما کوشش‌هایی است که برای کاربرت این میراث حکمی در بازخوانی عقلانیت مدرن صورت می‌دهد. پارسانیا می‌کوشد حکمت صدرایی را در سطوح گوناگون، از نظریه

رهنگی و نظریه اجتماعی تا فلسفه فیزیک و نیز در سطح سیاست‌گذاری فعال کند. در سال‌های اخیر درس‌گفتارها، مقالات، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های پر تعدادی کار شده که حاصل کوشش‌های پارسانیای برای بسط حکمت صدرایی به عرصه معرفت اجتماعی است. نام بردن این آثار از حوصله‌ی این نوشتار خارج است، هر چند بررسی جامع پروژه‌ی پارسانیای مستلزم تشریح ابعاد این کوشش‌ها و یا دست کم مرور محتوایی این آثار است. در میان کتاب‌های منتشر شده از ایشان دست کم دو اثر به شکل مستقیم‌تری با کوشش برای بسط و بازخوانی حکمت صدرایی ارتباط دارد. یکی روش‌شناسی انتقادی حکمت صدرایی (1390) که بسط حکمت صدرایی به عرصه‌ی روش‌شناسی و معرفت‌شناسی است و دیگری نماد و اسطوره (1373) که متضمن اشارات و اکتشاف‌های قابل توجهی از ظرفیت‌های حکمت اسلامی در نشانه‌شناسی و شکل‌دهی به یک نظریه‌ی درباب معناست.

عرفان بخش دیگری از میراث و ذخیره‌ی معرفت عالم اسلام است که در کانون خوانش همدلانه‌ی استاد پارسانیای از سنت قرار دارد. روند کار او در این زمینه نیز بر وفق سنت حوزوی از تقریر و تدریس می‌گذرد. تقریرات دروس تمهیدالقواعد و فصوص الحکم آیت‌الله جوادی و تدریس فصوص الحکم پارسانیای را متوغل در میراث عرفان اسلامی ساخته اما تعمق در متون عرفانی باعث نمی‌شود تا او از بسط اجتماعی اندیشه عرفانی و نگاه درجه دو به آن باز بماند. پارسانیای علاوه بر تعمق در متون عرفانی به فرامتن و حیات اجتماعی اندیشه عرفانی نیز توجه دارد و می‌کوشد دلالت‌های اجتماعی عرفان اسلامی را بیش از پیش آشکار کند. کتاب عرفان و سیاست (1386) نمونه‌ای از این کوشش‌های اوست. بخش عمده‌ی اثر البته به نقد خوانش‌ها و مصادره‌های متجددانه‌ی معاصر از عرفان اختصاص اما فصلی آخر و در ضمن و ذیل روش‌شناسی اندیشه عرفان و نیز «انقلاب عرفانی»، به دیدگاه منسجمی و بدیعی را درباب تحلیل نسبت عرفان و سیاست (جامعه) می‌گشاید.

بدیع‌ترین کوشش پارسانیای در خوانش سنت در توجهی است که به میراث مسلمین در زمینه‌ی «علم اجتماعی» دارد. پارسانیای نظریه‌ی مبسوطی در خوانش میراث علم‌الاجتماع مسلمین سامان داده است. بنیاد معرفت‌شناختی این نظریه بر رد ارزش‌دوری‌های متداول کنتی استوار است: اگر فارغ از سه‌گانگی کنت بیان‌دیشیم، اگر بر این باور نباشیم که علم اجتماعی از آگوست کنت شروع شده و هر چه پیش و بیش از آن بوده و باشد ماقبل علم است؛ آن‌گاه می‌توانیم بپرسیم آیا انسان‌ها قبل و فارغ از کنت و روش پوزیتیویستی درباره‌ی جامعه و مسائل آن نمی‌اندیشیده‌اند؟ پاسخ پارسانیای تقریباً این است که امکان ندارد که جامعه‌ی اسلامی به تفسیر خود و کنش‌هایش و به حل مسئله‌هایش نیاندیشیده باشد و یا اندیشه‌مورزی‌هایش ماقبل علمی باشد. به ویژه آن‌که در ادواری در اوج تمدن و علم بوده است. پارسانیای می‌گوید فارغ از معنای اخیر درباره‌ی علم که سابقه‌ی آن در حدود دو سده دارد، عالم اسلامی در دامن خود معرفت‌هایی پرورانده و ذخایری از علم فراهم آورده که هنگام اندیشیدن به مسائل اجتماعی خود از این رویکردها و روش‌ها شاز بهره می‌گیرد. این رویکردها به طور خلاصه عبارتند از وحیانی، نقلی، حدیثی، تفسیری، فقهی، فلسفی، کلامی، عرفانی، تاریخ‌نگاری و تک‌نگاری و رویکرد خطابی. همین ایده مبنای درس‌گفتارهای متعددی است که تحت عنوان اندیشه و روش اجتماعی متفکرین مسلمان ارائه کرده است. پارسانیای بررسی‌ها پیرامون تفکر اجتماعی مسلمین از یک کار صرفاً تاریخی خارج می‌کند، به ساحت معرفت‌شناسی برده و بر اساس بنیانی از نقد به هنجارهای رایج در تحقیر علم اجتماعی اسلامی، به بازخوانی میراث اسلامی به مثابه یک علم اجتماعی می‌پردازد. توجهاتی که پارسانیای حکمت عملی مصروف می‌کند را می‌تواند در چارچوب همین رویکرد او به علم اجتماعی مسلمین دانست. او چندی پیش بخش از کتاب الحروف فارابی را در یک سلسله جلسات درس‌گفتار به بحث گذاشت و نگاه یکسره متفاوتی به ماهیت و کارکرد میراث علم‌الاجتماع مسلمین دارد.

اگر چه معارف حکمی نقطه‌ی کانونی بازخوانی سنت در پروژه‌ی فکری استاد حمید پارسانیای است اما دغدغه‌های او در باخوانی همدلانه‌ی میراث کم و بیش شامل تمام بخش‌های ذخیره معرفتی عالم اسلامی می‌شود. در تفسیر قرآن او بخش‌های از درس‌های تفسیر آیت‌الله جوادی آملی را تقریر کرده و ایده‌هایی را در چارچوب مقالاتی دنبال می‌کند. در حدیث به تدریس اصول کافی می‌پردازد و اخلاق، کلام، فقه و اصول فقه نیز از دایره‌ی پروژه‌ی فکری وی برای بازخوانی همدلانه‌ی میراث نامانده است. مقالات و بحث‌های او در این سه زمینه‌ی اخیر بیشتر از موضع نگاه درجه دو به کلیت وضعیت این دانش‌هاست.

پرسش منتقدانه از تجدد

اگر به صورت‌بندی کلی آغاز این نوشته بازگردیم، موقعیت پروژه‌ی فکری استاد پارسانیای که آن را به در چارچوب کوششی برای تلفیق سنت و تجدد از طریق نقد تجدد از خاستگاه سنت ارزیابی کردیم. این موقعیت مستلزم دنبال کردن کوشش‌های در دو ساحت سنت و تجدد است. در بخش پیشین مروری گذرا بر صورت این اقدامات در حوزه‌ی سنت ارائه دادیم. اکنون در پی بررسی آنیم که پارسانیای در چارچوب‌ی پروژه‌ی خود چه اقداماتی را در نقد تجدد پی می‌گیرد؟

اولین و مهم‌ترین میدان پرسشگری پارسانیای معرفت‌شناسی و فلسفه‌ی علم است. پرسش‌هایی که از نسبت فلسفه و علم

غاز می‌شود و به نقد فلسفی نظریه‌های علوم اجتماعی می‌رسد. کتاب‌های علم و فلسفه (1383) و سنت، ایدئولوژی، علم (1385) را می‌توان نمونه‌ای از کوشش برای در انداختن پرسش اول پیرامون نسبت علم و فلسفه دانست. جهان‌های اجتماعی (1391) اما از مرز فلسفه علوم اجتماعی آغاز می‌کند و به طرح نظریه یا ایده‌هایی در فضای نظریه اجتماعی می‌رسد. به جز نقدهای معرفت‌شناختی، بخش دیگری از نقدهای پارسانیا به مدرنیته حول انسان‌شناسی شکل می‌گیرد. پارسانیا می‌کوشد با فعال کردن ظرفیت‌های حکمی و به خصوص عرفانی هبوط انسان مدرن را نشان بدهد. کتاب هستی و هبوط (1383) در این راستا نوشته شده است.

پرسش پروژه‌ی فکری پارسانیا از تجدد اما در سطح فلسفه علم، نظریه اجتماعی و انسان‌شناسی باقی نمی‌ماند. بازخوانی انتقادی عینیت و تجربه تاریخی ما در ایران و در عالم اسلامی محور دیگری در پرسش‌گری انتقادی پارسانیا از تجدد است. پارسانیا می‌کوشد نشان بدهد مدعی اندیشه‌های مدرن برای اصلاح وضعیت ایران هیچ‌گاه صادقانه نبوده و اصلاحات حقیقی از ظرفیت‌های درونی بر می‌خیزد. کتاب هفت موج اصلاحات (1386) پروژه‌ی فکری پارسانیا را از تمرکز بر بازخوانی میراث و نقد تجدد، به مرزهای کنشگری اجتماعی نزدیک می‌کند. این کتاب با نگرشی جریان‌شناسانه مشابه عرفان و سیاست یک بازشناسی انتقادی از جریان‌های فکری معاصر ایران و اسلامی است به دست می‌دهد. این طرح در کتاب انواع و ادوار روشنفکری (1391) به بلوغ می‌رسد. پارسانیا در این کتاب در طرحی جامع، ابتکاری، دقیق و فشرده کلیت جریان‌های فکری مترجم تجدد را صورت‌بندی و دوره‌بندی می‌کند. توجه تحلیل‌گرایانه-کنش‌گرایانه به انقلاب اسلامی

اگر پروژه‌ی فکری حجت‌الاسلام و المسلمین حمید پارسانیا بر گسل معرفتی سنت و تجدد بنا شده است اما توجه همه جانبه به این گسل و دو سوی آن، پارسانیا را فارغ و غافل از امکان‌ها و رویدادهای عینی نساخته است. پارسانیا که در سال‌های مبارزات انقلاب اسلامی فعالیت‌های نوجوانانه را تجربه کرده، همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی وارد دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران می‌شود و تجربه‌ی زیسته دست اول و مشاهده‌ای بی‌واسطه از انقلاب فرهنگی دارد. پس از آن نیز در جبهه‌های جنگ حضور می‌یابد و از این نظر یک کنشگر فعال در میدان‌های انقلاب اسلامی است. همین زمینه باعث شده تا در پروژه‌ی فکری پارسانیا و در ترسیمی که او از کشاکش سنت و تجدد دارد، «انقلاب اسلامی» به لحاظ نظری و عملی یک مسئله‌ی مهم تلقی شود.

در سطح نظری پارسانیا کتاب حدیث پیمان، پژوهشی در انقلاب اسلامی (1376 چ دوم) را منتشر کرده است. کتابی که هسته‌ی اولیه‌ی آن در درس‌گفتارهای سه دهه قبل پارسانیا در چارچوب دروس معارف شکل گرفته اما با تکمیل و تکامل به یک تحلیل یک‌پارچه، بدیع و بدیل در باب انقلاب اسلامی منتهی شده است. تحلیل که چارچوب مفهومی خود را از ظرفیت‌های میراث علم الاجتماع مسلمین -از فارابی تا ابن‌خلدون- اخذ کرده و شناختی جامع از جریان‌های قبل و بعد از انقلاب به دست می‌دهد. در سطح عملی نیز پروژه‌ی پارسانیا با نیازهای آموزشی و سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ارتباط پیدا می‌کند. همین ارتباط یک وجه تمایز در این برنامه فکری است. پارسانیا کوشیده است نتایج پروژه‌ی فکری خود را علاوه بر نگارش و انتشار در قالب کتاب و مجله، در سطح سازمان علم هم دنبال کند. پارسانیا تلاش‌هایش در بازخوانی همدلانه سنت، پرسش از تجدد و توجه به انقلاب اسلامی را با امکان‌ها و نیازهای عینی و عملی انقلاب اسلامی پیوند می‌زند و همین پیوند به او کمک می‌کند ایده‌هایش را تنها در سطح نظم علمی دنبال نکند و به نظام‌سازی علمی هم بپردازد. تلاش برای تأسیس رشته‌ها، مراکز رسمی و حلقه‌های غیررسمی آموزشی و انجمن‌های علمی در حوزه و دانشگاه بخش از این نهادسازی‌هاست. سه رشته آموزشی که در سطح تحصیلات تکمیلی طراحی و تصویب شده و در دانشگاه‌های باقرالعلوم (علیه‌السلام) و تهران و موسسه امام خمینی (ره) قم در حال اجراست محصول همین کوشش‌هاست. این سه رشته که کوشش‌های عملی و پروژه‌ی فکری پارسانیا امکان طراحی آن را فراهم آورده عبارتند از «دانش اجتماعی مسلمین»، «فلسفه علوم اجتماعی» و «سیاست‌گذاری فرهنگی» که به ترتیب محصول و تداوم آموزشی بخش‌های سه‌گانه‌ی بازخوانی میراث، نقد تجدد و عطف به انقلاب اسلامی در پروژه‌ی فکری اوست.

مؤخره

این متن برای انتشار در حاشیه‌ی گفتگویی با استاد پارسانیا نوشته شده است و به اقتضای توان نگارنده، زمان اندک و تدوین فی‌البداهه، نمی‌تواند اولین چراغ را برای بررسی پروژه فکری حجت‌الاسلام و المسلمین حمید پارسانیا روشن کند. تشریح لایه‌های اندیشه‌ورزی و کنشگری این متفکر مؤلف و نیز روشن ساختن ارتباط این لایه‌ها تلاش بیشتری می‌طلبد. ویژگی پروژه‌ی فکری استاد پارسانیا تنها این نیست که می‌کوشد با توغل در سنت و تأمل در تجدد، راه دیگری در برابر ما بگشاید. بخش مهم‌تر این پروژه این است که فارغ از نیازهای امروزمان به سر نمی‌برد و درست به همین دلیل است که استاد حمید پارسانیا را همواره در حال تحرک می‌بینیم: از سیاست‌گذاری در شورای عالی انقلاب فرهنگی تا تألیف کتب درسی جامعه‌شناسی دوره‌ی دبیرستان، از کنج فیضیه‌ی قم تا کرسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، از تقریر تا تألیف کتاب و مقاله، از نشست و سخنرانی تا مناظره، از تدریس در دانشگاه‌های قم و تهران تا

ارائه‌ی درس‌گفتارهای غیررسمی؛ او در هر جا که امکانی وجود داشته باشد حضور دارد تا بخش‌هایی از برنامه‌ی را جلو ببرد که چاره‌ی ما در کشاکش کنونی میان سنت و تجدد می‌داند.

تأمل در پروژه فکری استاد پارسانیا و نسبت لایه‌های گوناگون کنشگری او بیش از هر چیز، پاسخی است به نیاز ما برای شناخت بیشتر و بهتر وضعیت تفکر امروز. در زمانه‌ی که از یک‌سو ژورنالیسم علوم انسانی به ورطه‌ی امیال کنشگران حزبی فروغلطیده از سوی دیگر پُر حرفی‌های ملال‌آور جماعتی «نیمه‌سواد» درباره‌ی تحول و تمدن به سر حد تهوع رسیده است؛ پارسانیا، متفکری مؤلف، برخاسته از یک سنت اصیل فکری و بنشسته بر کرسی پرسشگری است و رف‌های بدیعی دارد. تفاوتی ندارد موضع خود را با او موافق بدانیم یا مخالف؛ حرف‌هایش از جنس پرخاش‌ها و شعارهای رایج دو دو سو میدان تفکر نیست. خوانش‌ها و پرسش‌هایی است که ارزش خواندن و شنیدن و اندیشیدن دارد.

منابع

- پارسانیا، حمید (1373) نماد و اسطوره، قم، مرکز نشر اسراء.
- _____ (1376) حدیث پیمانه، قم، دفتر نشر معارف.
- _____ (1383) علم و فلسفه، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- _____ (1385) سنت، ایدئولوژی، علم، قم، بوستان کتاب.
- _____ (1386) عرفان و سیاست، قم، بوستان کتاب.
- _____ (1386) هستی و هبوط، قم، دفتر نشر معارف.
- _____ (1386) هفت موج اصلاحات، قم، بوستان کتاب.
- _____ (1390) روش‌شناسی انتقادی حکمت صدرایی؛ قم، کتاب فردا.
- _____ (1391) ادوار و انواع روشنفکری در ایران با نگاه به روشنفکری حوزوی، قم، کتاب فردا.
- _____ (1391) جهان اجتماعی، قم، کتاب فردا.
- _____ (1391) مبانی و تطورات برهان صدیقین، تهران، پژوهشگاه علم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۹۶/۰۳/۱۲

مجتبی نامخواه